

**جنگ را به کابل کشانیدند! هوشدار! هوشدار! جنگ را بکابل کشانیدند!**



امروز جمعه است و کابل باز هم شاهد خون ریزی دردامن یکی از سر سبزترین باغ های کابلستان گردید . چندی پیش در یکی از روز های جمعه در مکروریان کابل خون ها ریخته شدند و امروز در دارالامان. " وضعیت فوق العاده در کابل، حمله جنایتکاران کوچی با سلاح های سنگین به جان و مال مردم هزاره امروز در منطقه ی دارالامان شهر کابل، کوچیان مسلح به جان و مال مردم هزاره حمله کردند و تاکنون 6 تن از مردم هزاره کشته و 16 تن زخمی شدند. هم چنان قرار معلومات مردم، بیش از پانزده تن از مردم هزاره اسیر کوچی می باشند که از این میان 3 تن زخمی شدگان توسط اردوی ملی زخمی شده اند. " نویسنده: کابل پرس "

خبری که در بالا خواندید یکی از اخباریست که تا این دم بعد از چاشت در نخستین هفته ماه مبارک رمضان از کابل هر دم شهید میخوانیم.

در خبر دیگر میخوانیم که سیزده نفر زخمی شده اند. امامیتوان گفت تعداد کشته شده ها و زخمی ها و اسیران شاید بیشتر از این تعداد باشند.

شانزده نفر زخمی و شش نفر کشته در دارالان کابل و آنهم در جنگ میان کوچی ها و مردم که در محل در این هشت سال اخیر زندگی میکنند و خانه وکاشانه مردم چهاردهی را بار دیگر و باز هم بزور خویش میخواهند غصب کنند ، چون گویا میخواهند خانه داشته باشند و جنگ یکی برای خانه و دیگری برای ساختن قبرستان و ریختن خون بروی قبرستان و سرازیر شدن قوای دولت در منطقه و سر انجام هم دامن زدن جنگ میان گویا پشتون های کوچی و هزاره های افغانستان!

اینست سناریوی کشنده و خطرناک که دارد قدم بقدم به واقعیت در دناک کشانیده میشود.

هوشدار! هوشدار!

جنگ را بکابل کشانیدند!

این دامیست نظامی و سیاسی ونکته آغازیست برای جنگ های فرسایشی دور جدید در کابل و همه صفحات کشور. در دارالامان ایکه همه شما میدانید، مردم چهاردهی از صد ها سال به اینسو زندگی میکردند و تنها در چهاردهی کابل بیشتر از هزار ها باغ و 12 هزار باغبان وجود داشت و همه چهاردهی باغ و تفریحگاه همه مردم کابل بود و اگر اندکی از دارالامان بسوی گل باغ بروی در نیمه راه قلعه هندو را میبینی که از صد سال بیشتر در منطقه زندگی داشته و تاهنوز قلعه هندو پا برجاست و هیچگاه میان هندو و مسلمان در منطقه جنگ وزد و خورد صورت نگرفته و تا امروز هم در باغ هندو دهقانان اش زندگی و کار میکنند.

در چهاردهی همچنان و در گوشه چهاردهی یعنی در دارالامان همه ساله از گوشه های دور و نزدیک کوچی ها در آغاز بهار می آمدند و غزدی های خود در دامنه های کوه ها برمی افراشتند و به چرانیدن رمه های خود مشغول میشدند. مردان کوچی ها از دامنه های کوه ها خریده های سه شنگ یا سه گوشه ای پنیر خام را به شانه ها انداخته و کوچه به کوچه برای فروش آن مشغول میشدند و چندپولی بدست می آوردند. گوسفند ها و بز های خود را در دامنه های کوه ها می چرانیدند و پشم و شیر و گوسپندان را تا حد ایکه می توانستند ، در کابل میفروختند و در زمستان ها راهی مناطق گرم سیر میشدند.

بعد از سال 1947 یا تجزیه هند بریتانوی به دو پاکستان و هند وستان وقتی پاکستان را انگلیسها میراث خوار هند بریتانوی اعلان کردند ، مشکل خط دیورند بار دیگر میان دولت های افغانستان و دولت تازه متولد پاکستان که بر پایه تبعیض دینی استوار گردیده بود ، بیشتر گردید. سر انجام رفت و آمد به دو طرف خط دیورند را دولت پنجابی ها نتوانستند مانع شوند و نه تنها کوچی ها بلکه بسیاری از مردم دو طرف مرز در زمستان ها و در تمام سال به دو طرف

رفت و آمد داشتند و هیچگاه مانع در میان راه وجود نداشت. این حرکت و رفت و آمد به دو طرف مرز پیش از سال 1893 یا معاهده دیورند و حکومت امیر عبدالرحمن نیز وجود داشت و بعدا هم چنان.

از آنجاییکه امیر عبدالرحمن با حمایت دولت بریتانیه و بر پایه استبداد خواست دولتی را در سرزمین حایل یا بفر ستیت ایجاد نماید تا منافع امپراطوری انگلیس و روسیه از همدیگر جدا گردیده باشد، از اینرو در تمام افغانستان وحشت و خشونت براه انداخت و اگر ملا مشک عالم را موش عالم نامید، از کله هزاره ها هم منار ساخت که کله منارها از یاد هیچ فردی نخواهد رفت. بعدا امیر عبدالرحمن برای استحکام پایه دولت خود و سرکوب ملوک الطوائف بنا بر نسخه و نظریه ماکیاوولی که در کتاب شه‌ریار اش نوشته است، به کوچ دادن مخالفین خود در هر گوشه و حتی فرار دادن و تبعید نمودن خانواده ها از افغانستان اقدام نمود.

اگر ایوب خان از قندهار و میوند خارج شد، صد ها خانواده دیگر بشمول خانواده طرزی نیز از افغانستان رانده شدند. امیر عبدالرحمن برای سرکوب نمودن مخالفین خود در سمت شمال و قطغن تا بدخشان و در سمت مرکزی تا هزاره جات و سمت غرب تا هرات بسیاری از کسانیرا که برایش گویا مخالفین بالقوه بودند، انتقال داد. از اینجاست که ناقلین در جاهایی دیگر جابجا ساخته شدند. این اختلاف بر میگردد به دوران به پادشاهی رسیدن احمد شاه درانی که قدرت سیاسی خراسان در قندهار بین روسای قبایل به شکلی تقسیم گردید که بزرگترین نارضایتی هارا قبایل غلجایی و احمد زایی و نورزایی و اچکزایی و روسای دیگر پیوسته به گذشته با خود نگهداشتند و تا امروز این اختلاف وجود داشته و هیچ گاه راه حل سیاسی نیافته است. حتی در انتخابات ریاست جمهوری دوره اخیر دیدیم که یکی عکسها احمدشاه درانی را بلند کرده بود و دیگر از میرویس خان هوتکی را.

روسای قبایل به اطراف افغانستان پراکنده ساخته شدند تا از مرکز قدرت به دور باشند و امیر عبدالرحمن کوچی ها را که برخی شان احمد زایی ها اند صلاحیت داد تا در مناطق دور دست و همچنان مناطق بزور چراگاه ها را تسخیر کنند و ننتهارمه های خود را بچرانند بلکه به مردم محل نیز زهر چشم نشان بدهند. امیر عبدالرحمن گویا مساله کوچی ها و مخالفت ها را باخودش به این شکل گویا حل نمود و تا اینکه جنگ ها در سال 1357 یا 1978 شروع شد و بعد از کودتای هفت ثور تا حال ادامه یافت.

از آن روز به اینطرف بیشتر از سی سال میگذرد. از آنجاییکه کوه ها و تپه ها و دشت ها پر از مین های ضد نفر بود، کمتر نفری تلاش میکرد تا در دامنه ها برود چه رسد به اینکه رمه های خود را بچرانند. در هشت سال اخیر برخی دامنه ها و کوه ها از وجود مین ها تا اندازهای پاک کاری شده اند.

بعد از سال 1992 و اعدام شدن دکتر نجیب الله بدست رفقای حزبی اش و شروع شدن جنگ های تنظیمی دیده شد که کابل به بخشهای مختلف تجزیه شد و هریک از احزاب بخشهایی را بزور تفنگ اشغال کردند. از قلعه قاضی تا درالامان و علا الدین و حتی نزدیکی های دهمزنگ گویا سهم حزب وحدت بود و بخشهای دیگر را جمعیت اسلامی و حزب اسلامی و حرکت اسلامی و جنبش ملی اسلامی اشغال کردند.

اینک که موضوع دارالامان در میان است، در دامنه های کوه قروغ و پشته های تپه تاجبیک اگر از یکسو حاجی نبی و شرکا شهرک ها ساخته اند و حامد کرزی برایشان فرمان داده است، از سوی دیگر در همین دامنه ها پایگاه نظامی امریکایی ها و قوای وزارت دفاع افغانستان و ناتو نیز ایجاد گردیده است.

آمدن چند صد نفر بنام کوچی و گویا ساختن خانه و سر انجام جنگ امروزی چیزی نیست جز ادامه دادن به جاسازی اسپان ترویا در منطقه.

از اینرو میخواهند یک طرف کابل را برای لشکرکشی ها از لوگر و چهار آسیاب مستحکم تر سازند و داخل شدن به دروازه های کابل را سهلتر گردانند.

شاه ولی خان و برادران اش با قوه که جمع و جور کرده بودند، از راه چهار آسیاب به ویسل اباد چهاردهمی آمده و از راه دره آشپزخانه شاه زنبورک و کنار زیارت علی ملنک و راه گویا قبر نداف از بالای غار سنگی به کوه شاه زنبورک بالا شده و سر انجام ارگ را گرفتند و بعدا نادر شاه و محمد گل مهمند همان سیاست عبدالرحمن و ناقلین را ادامه داد.

حکمتیار و قاضی حسین نیز از چهار آسیاب خواست تا کابل را تسخیر کند و با هزار هاراکت هزاران نفر را بخاک و خون کشانیدو سر انجام نیروهای خود را در فراز تخت شاه زنبورک جا بجا ساخت.

گرچه حالا در بلند ترین نقطه تخت شاه زنبورک پایگاه قوای وزارت دفاع ملی افغانستان در کانتینر ها جابجا شده اند و توسط هلیکوپتر ها یا چرخ بالها کانتینر هایشان جابجا شده است و مواد غذایی و مورد ضرورت شان توسط چرخ بالها رسانیده میشود و تمام چهاردهمی و ساحه بالا حصار تا پل چرخ را در 360 درجه زیر نظر دارند با انهم ساحه چهاردهمی بویژه دارالامان نقطه نیرنگی است. هم از طرف میدان وردک و هم از طرف لوگر و هم از طرف پغمان دارای اهمیت مهم نظامیست.

اینک بنام کوچی ها میخواهند همان خون ریزی های همه ساله بهسود ودای میرداد را در کابل ادامه بدهند. این حرکت کوچی ها در دامنه تپه های دارالامان یک حرکت بکلی نظامی - سیاسی است و

کوچی بودن فقط پوشش ایست برای گسترش پایگاه های اسپان ترویا. این هم ترفند دیگرست در عمق استراتژی پاکستان و کاریست که بدون شک و تردید با استفاده ایزاری از کوچه ها برای تداوم امیال ای اس آی ادامه می یابد. این جنگ را اگر باز هم به جنگ نیابتی تبدیل کنند، صد ها نفر باز هم گوشت دم توپ جنایتکاران میگردد.

هشدار!

هشدار که جنگ را در داخل کابل کشانیدند و این جنگ را زیر نام "کوچی" بر اه می اندازند. اینبار مردم چهاردهی طرف این جنگ نیست چه خودشان شاهد بسا نابسامانی ها و استبداد بوده اند، اینبار مردم محل از چهاردهی در گوشه قرار دارند و مردم شهرک حاجی نبی تا دشت برچی را به میدان میکشانند و گویا جنگ پشتون و هزاره را دامن زدند و به جنگ شیعه و طالب و کوچی میکشانند!

هشدار این جنگ باز هم دامن تر و خشک را میسوزاند. بایست هر چه بیشتر تلاش کرد تا تمام کوچی ها از منطقه چهاردهی به بیرون رانده شوند و دولت حامد کرزی با اعلان حالت اضطراری منطقه را از شر کوچی خا رهایی بخشد و در جستجوی راه حل منطقی و اساس برای کوچی ها باشد و صف کوچی ها و طالبان و آی اس آی را با مهارت سیاسی از هم جدا نماید. بایست طالبان و آی اس آی از این حرکت کوچی ها و بسار تحریکات کوچی ها تجرید گردند. پروسه سیاسی ایجاب مینماید تا با افشا نمودن این حرکت و خنثی کردن حرکت کوچی ها، طالبان نیز افشا شده و بعدا تجرید گردیده و طرد گردند.

خاموش نشستن یعنی بازی کردن با خون پنج ملیون نفری که در کابل زندگی مینمایندو هشدار!

این جنگ را بایست مهار کرد.

متوجه گوشه دیگر بایست بود.

خانه و کاشانه مردم چهاردهی را گرفتند و تنی کوت ساخته اند. اگر شهناز تنی با حکمت یارو قاضی حسین احمد در کابل کودتا کردند و سرانجام نجیب را به سر دار بالا کردند، این بار کی را به دار میکشند!

هشدار!

یار زنده و صحبت باقی.

باقی سمندر - سرباز آزادی

شما را بخواندن خبری که بی بیر سی پخش نموده است، در پایان دعوت مینمایم.

**BBC Persian**

به روز شده: 11:19 گرینویچ - جمعه 13 اوت 2010 - 22 مرداد 1389

**کوچی ها و ساکنان کابل در گیر شدند**

در اثر درگیری کوچی ها (عشایر) و ساکنان محلی در حومه غربی شهر کابل و همچنین تیراندازی پلیس، دست کم سیزده تن زخمی شده و یک نفر کشته شده است.

این درگیری بامداد امروز (جمعه، ۲۲ اسد/مرداد) در دامنه کوهی در نزدیکی محله دارالامان زمانی آغاز شد که کشمکش میان کوچی ها و ساکنان محل بر سر تصاحب زمین های دامنه های کوههای غربی کابل به خشونت کشیده شد. کشمکش میان دو طرف بر سر تصاحب این زمین ها هر چند از حدود چهل روز پیش آغاز شده بود، اما امروز به خشونت انجامید.

مردم محل می گویند که دولت زمین های دامنه های این کوه را به عنوان "گورستان عمومی" در اختیار آنان قرار داده است، اما کوچی ها می گویند که این زمین ها متعلق به آنها است و اکنون پس از مهاجرت سی ساله از پاکستان بازگشته و به ساخت و ساز خانه در آنجا آغاز کرده اند.

آن گونه که برخی از شاهدان عینی گفته اند، ظاهراً درگیری امروز در پی آغاز به کار مردم محل برای ساخت و ساز خانه در آن جا آغاز شد. زمین های مورد نظر غیرمزروعی است.

مردم محل کوچی ها را متهم به تیراندازی کرده اند و در مقابل کوچی ها مردم محل را متهم می کنند که خیمه ها/چادرهای کوچی ها را به آتش کشیده و به سوی آنها شلیک کرده اند.

به گفته شاهدان عینی، این درگیری کمتر از نیم ساعت طول کشید و منجر به زخمی شدن چهارتن از افراد محلی شده است.

در پی این درگیری کاروانهای نیروهای ارتش و پلیس به سوی محل درگیری به حرکت درآمدند. هرچند حضور سنگین آنها در محل، به درگیری میان دو طرف پایان داد، اما صدای گلوله باران پایان نیافت.

پلیس تلاش کرد گروهی از ساکنان محل را که در حاشیه محل درگیری جمع شده بودند، متفرق کند، ولی این تلاش پلیس خشم آنها را برانگیخت.

ساکنان محل نسبت به عملکرد پلیس و نیروهای امنیتی اعتراض داشتند و آنها پلیس را متهم به حمایت از کوچی ها کردند. ولی پلیس تلاش کرد با تیراندازی هوایی معترضان را متفرق کند، اما این تیراندازی دست کم یک کشته و چندین زخمی بجا گذاشت.

تیراندازی پلیس در حضور گروهی از خبرنگاران صورت گرفت، اما هیچ یک از ماموران و افسران پلیس و دیگر نیروهای دولتی حاضر به اظهار نظر در باره تیراندازی ماموران پلیس به سوی مردم نشدند.

صدای تیراندازی از چندین نقطه در نزدیک محل درگیری تا چند ساعت دیگر به گوش می رسید. شاهدان عینی می گویند که بیشتر این تیراندازی از سوی پلیس بوده است که تلاش می کرد، اوضاع را تحت کنترل در آورد.

در پی به میان آمدن این وضعیت، شماری از ساکنان محله های نزدیک به محل درگیری در دارالامان دست به کوچ زده اند و شماری دیگر از ساکنان محلات "دشت برچی" و حومه غربی شهر کابل در اعتراض به عملکرد پلیس به خیابان ها ریخته اند.

شاهدان عینی گفته اند که معترضان عکس های نامزدهای انتخاباتی را در خیابان ها پاره کرده اند و تلاش دارند به سوی قرارگاه حوزه سیزدهم امنیتی پلیس نزدیک شوند. پلیس ضد شورش هم در منطقه برای کنترل اوضاع حاضر شده است.

هنوز آمار دقیقی از تلفات این حادثه در دست نیست، اما مسئولان بیمارستانی در نزدیکی محل حادثه گفته اند که حد اقل سیزده زخمی به این بیمارستان منتقل شده اند. به گفته دکترهای این بیمارستان، وضعیت سه تن از زخمیان وخیم است. ساکنان محلی اما شمار کشته شدگان و زخمیان را بیشتر از این می دانند.

کوچی ها نیز می گویند که یک تن از آنها کشته و دو تن دیگر شان مجروح شده اند. دهها خودرو ارتش و پلیس در محل مستقر شده، ولی صدای تیراندازی هنوز هم به گوش می رسد. شماری از مردم در غرب کابل نسبت به ادامه این وضعیت در آن جا اظهار نگرانی کرده اند.

کشمکش میان ساکنان محلی و کوچی ها سابقه طولانی دارد و در چند سال اخیر درگیری های خشونت باری میان آنها در ولایت میدان وردک، بر سر استفاده از چراگاهها روی داده است. اما این نخستین بار است که حاشیه نشینان شهر کابل و کوچی ها بر سر تصاحب زمین باهم درگیر می شوند.

---

[http://www.bbc.co.uk/persian/afghanistan/2010/08/100813\\_k02-kochis-hazaras-kabul.shtml](http://www.bbc.co.uk/persian/afghanistan/2010/08/100813_k02-kochis-hazaras-kabul.shtml)

© BBC 2010